



بررسی اصول و احکام شرعی لباس در اسلام

نامزد پوهنیار امان الله المصاحب

رشته تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون فراه

ایمیل: amanallahalmsahb@gmail.com

چکیده

پوشیدن لباس یکی از احکام مهم شرعی در اسلام است که از طریق آن حجاب و ستر عورت محقق می‌گردد. لباس علاوه بر آن که زینت و آراستگی انسان را فراهم می‌کند، سبب حفاظت از گرما و سرما نیز می‌شود و کاملاً با فطرت انسانی هم‌خوانی دارد. این تحقیق با هدف تبیین اصول و احکام شرعی لباس در اسلام، شناسایی شرایط لباس شرعی، بررسی انواع لباس‌های ممنوعه و ارائه راه‌کارهای عملی برای انتخاب پوشش مناسب مطابق با شریعت انجام شده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای بوده و با استناد به آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، تفاسیر قرآنی و آرای فقهی علمای اسلام انجام گرفته است. احکام لباس در بستر زندگی معاصر نیز مورد ارزیابی قرار گرفته تا تطبیق‌پذیری آن‌ها با چالش‌های فیشن و مُد مدرن روشن شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شریعت اسلامی چهار اصل اساسی برای لباس تعیین کرده است: ۱. ستر عورت ۲. زینت و آراستگی ۳. اجتناب از تشبه ۴. پرهیز از تکبر و خودنمایی. هم‌چنین، سه عیب اصلی لباس شناسایی شده است. لباس‌های کوتاه، لباس‌های نازک و لباس‌های تنگ. این اصول و احکام به حفظ عفت، هویت اسلامی و جلوگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کنند. این تحقیق با وجود محدودیت‌هایی مانند تنوع فرهنگی و کمبود منابع جدید در تطبیق احکام با مُد معاصر، تلاش کرده است تحلیل جامع و کاربردی ارائه دهد.

کلمات کلیدی: احکام پوشش (لباس)، اصول شریعت، پوشاندن عورت، لباس تقوا

دراسة اصول و احکام الباس فى شريعة الاسلامية

الملخص

مبادئ وأحكام اللباس من المواضيع الشرعية المهمة التي يتحقق من خلالها أحد الأحكام الشرعية، وهو الحجاب وستر العورة. بالإضافة إلى أن اللباس يعتبر زينة للإنسان، فهو يوفر الحماية من الحر والبرد، ويتماشى مع الفطرة البشرية ودين الفطرة. لارتداء اللباس مبادئ وأحكام خاصة تُبرز أهمية هذا الموضوع، حيث يتضح ذلك من الآيات القرآنية والأحاديث النبوية العديدة. فى المجتمع الإسلامى، هناك حاجة ملحة لتناول هذا الموضوع لكى يمتلك كل مسلم تعليمات مناسبة لتسيير حياته وفق الشريعة الإسلامية. والهدف من طرح مثل هذه المواضيع هو منع الفساد والأعمال غير اللائقة التي قد تُعكر الأمن الإيماني فى المجتمع الإسلامى. نأمل أن يتمكن الإخوة والأخوات الموقرات، من خلال قراءة هذا الموضوع ونشره، من الالتزام به والوصول إلى الأهداف الإسلامية وإقامة بيئة إسلامية.

الكلمات الرئيسية: أحكام اللباس، ستر العورة، لباس التقوى، مبادئ الشريعة.

مقدمه

پوشش یکی از جنبه‌های بنیادین زندگی انسانی است که در فرهنگ و تمدن اسلامی جای‌گاه خاصی دارد. آیین اسلام به‌عنوان دینی جامع، دستورات و رهنمودهای مشخصی در مورد لباس و پوشش ارائه کرده است که نه تنها به جنبه‌های ظاهری، بلکه به ارزش‌های معنوی، اخلاقی و هویتی نیز توجه دارد. این دستورات با هدف حفظ عفت، ایجاد زینت و آراستگی و تقویت هویت اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان وضع شده‌اند.

با توجه به اهمیت این موضوع، این مقاله به بررسی اصول و احکام شرعی مرتبط با لباس در اسلام می‌پردازد. در دنیای معاصر، با گسترش مد و فیشن و تأثیر فرهنگ‌های غیر اسلامی، بسیاری از افراد در انتخاب لباس با چالش‌هایی روبرو می‌شوند که ممکن است با احکام شرعی ناسازگار باشد. این موضوع ضرورت بررسی دقیق احکام اسلامی در مورد لباس را برجسته می‌کند تا روشن شود که شریعت چه اصولی را برای پوشش تعیین کرده و چگونه می‌توان این اصول را در زندگی روزمره پیاده کرد.

هدف این تحقیق، تبیین اصول و احکام شرعی مرتبط با لباس در اسلام، شناسایی شرایط شرعی لباس، بررسی انواع لباس‌های ممنوعه و ارائه راه‌حل‌هایی برای انتخاب پوشش مناسب مطابق با شریعت است. هم‌چنین، این مقاله به دنبال روشن ساختن نقش لباس در حفظ هویت اسلامی و جلوگیری از تشبه به غیر مسلمانان یا ایجاد تکبر است.

سؤال این است که اصول و احکام شرعی در مورد لباس در اسلام چیست و چگونه می‌توان این اصول را در زندگی روزمره پیاده کرد؟

سوال اصلی این تحقیق این است که شریعت اسلامی چه اصول مشخصی برای لباس ارائه کرده است؟ که شامل ستر عورت، زینت و آراستگی، اجتناب از تشبه و پرهیز از تکبر است. رعایت این اصول نه تنها به حفظ عفت و هویت اسلامی کمک می‌کند، بلکه از انحرافات اخلاقی و اجتماعی نیز جلوگیری می‌نماید.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شریعت اسلامی چهار اصل اساسی برای لباس تعیین کرده است:

- ۱) ستر عورت که برای مردان از ناف تا زانو و برای زنان تمام بدن به جزء چهره و دست‌ها تا مچ را شامل می‌شود.
 - ۲) زینت و آراستگی که لباس باید زیبا و متناسب با شأن فرد باشد.
 - ۳) اجتناب از تشبیه به غیر مسلمانان یا جنس مخالف.
 - ۴) پرهیز از تکبر و خودنمایی.
- هم‌چنین، سه عیب اصلی لباس شامل لباس‌های کوتاه، نازک و تنگ شناسایی شده‌اند که با مقاصد شرعی پوشش در تضاد هستند. این اصول به حفظ عفت، هویت اسلامی و ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کنند.

روش تحقیق

در نگارش این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی با طرز کتابخانه‌ای استفاده شده که با استناد به آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و آرای علمای اسلامی، اصول و احکام شرعی مرتبط با لباس مورد بررسی قرار گرفته است. منابع فقهی معتبر مانند کتب حدیث (بخاری، مسلم، ابو داود)، تفاسیر قرآنی و فتاوی علماء مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. هم‌چنین، با توجه به تحولات معاصر، تلاش شده است تا این احکام در بستر زندگی عصری نیز مورد ارزیابی قرار گیرند.

راهنمایی اسلام در مورد لباس

قال الله تعالی: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۗ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (الاعراف: ۲۶). ترجمه: (ای فرزند آدم! ما برای شما چنین لباس نازل کردیم که جاهای پنهان و محل شرم شما را می‌پوشد و سبب زینت شما می‌گردد؛ و از همه بهتر برای شما لباس تقوی است).

آموزش‌های اسلامی شامل هر شعبه زندگی انسان است لذا، به هر بخش از زندگی ما تعلق و ارتباط عمیق دارد و هیچ گوشه‌ی از زندگی خالی از آن تعلیمات نمی‌تواند باشد. لباس نیز یکی از مهم‌ترین گوشه آن است. به همین خاطر قرآن و سنت در این مورد هدایات مفصلی ارائه نموده است. شریعت در مورد لباس تعلیمات بسیار معتدل تقدیم نموده است. مثلاً شریعت برای لباس، شکل یا هیئت معین و ثابتی تعیین نکرده است؛ که هر شخص باید فلان لباس را بپوشد در صورتی که



خلاف آن را بپوشد این کارش خلاف اسلام و مسلمانی دانسته شود؛ و علت اجبار نکردن به لباس خاص هم این است که اسلام دین فطرت است. طبق حالات کشورهای مختلف، رعایت موسم و فصل‌های سال و در نظر گرفتن ضرورت‌های پیش‌رو لباس‌ها مختلف می‌شود در بعضی مناطق لباس نازک و در بعضی دیگر لباس زبر و ضخیم، در بعضی مناطق وضع و هیئت لباس یک شکل، درحالی‌که مناطق دیگر وضع و هیئت دیگری برای لباس اختیار می‌کنند؛ اما اسلام درباره لباس بعضی از اصول اساسی را بیان نموده است که رعایت آن اصول در هر حالت لازم و ضروری است.

اولین اصل در لباس، ستر و پوشیدن عورت

در آیه فوق اولین مقصد این چیز بیان شده است که لباس مواضع پنهان و شرم‌آور بدن را می‌پوشاند. «سوءة» به معنی آن چیزی است که انسان با نام بردن و اظهار کردن آن احساس شرم کند؛ اما در این جا مراداش ستر عورت و شرم‌گاه است. پس گویا اساسی‌ترین اصل در لباس ستر عورت است. الله تعالی بعضی از بخش‌های بدن مرد و زن را عورت قرار داده است یعنی باید آن بخش‌ها پوشیده شود البته آن بخش‌ها در میان زن و مرد متفاوت است. از مردها بخش‌های که همیشه باید پوشیده باشد از ناف تا زانو است که کشف و لخت کردن آن به هیچ‌وجه به غیر از عذر شرعی مثلاً معالجه و اعدار شرعی دیگر، جایز نیست؛ و در عموم حالات پوشیدن آن لازم و ضروری است؛ اما زن تمام بدن‌اش به غیر از چهره و دو دست تا مچ دست بقیه همه عورت است که پوشیدن آن لازم و ضروری است و نباید لخت شود. لذا، مقصد اصلی، اساسی و اولی لباس این است که بخش‌های تعیین شده از طرف شریعت را باید بپوشاند بنابراین، لباسی که این مقصد را برآورده نکند از نگاه شرعی به آن لباس گفته نمی‌شود و لایق لباس گفتن هم نیست. چون برای مقصدی که ساخته شده را برآورده نمی‌کند. در عصر جدید مُد و فیشن مقصد اصلی لباس را مجروح ساخته است. به همین خاطر امروزه در میان مرد و زن لباس‌های رایج شده- است که هیچ پروا ندارند که کدام حصه بدن لخت می‌شود و کدام حصه پوشیده- است درحالی‌که، از نگاه شرعی به آن لباس گفته نمی‌شود. لباس بعضی اوقات فرض است، بعضی اوقات مستحب، بعضی اوقات مکروه و بعضی اوقات حرام

است. لباس که عورت و شرم‌گاه انسان را بپوشاند و از گرمی و سردی حفاظت کند آن لباس فرض است؛ و برای یک لباس شرعی چهار شرط وجود دارد. اگر آن شرایط یافته شود می‌توان آن لباس را شرعی گفت وگرنه قابل این نیست که به آن لباس شرعی گفته شود.

۱. عورت را بپوشاند.

۲. کلفت باشد، بسیار نازک و چسبیده نباشد که بدن معلوم شود.

۳. برای مرد لباس ابریشمی نباشد.

۴. در آن لباس تشبه نباشد یعنی لباس مرد به لباس زن و لباس زن به مرد مشابه نباشد. هم‌چنین، با لباس‌های اقوام دیگر که غیر مسلمان‌اند مشابه نباشد. (القاسمی، بی‌تا، ص. ۱۲۷؛ عثمانی، ۲۰۰۱، ج. ۱، ص. ۹۷۷) نوشته است که لباس مرد و زن باید تمام عورت را بپوشاند و وضع و هیئت آن باید طوری باشد که امتیاز قومی مسلمانان را برقرار گذاشته باشد و مشابه با وضع و هیئت مذهبی اقوام دیگر نباشد. مولانا خالد سیف‌الله رحمانی می‌نویسد که مقصود اصلی لباس پوشاندن عورت است لباسی که این مقصد را برآورده نکند پوشیدن چنین لباس جایز نیست. مرد باشد یا زن اگر چنان لباس بپوشد که یک بخشی از بدن که پوشاندن آن واجب باشد، لخت بماند و در آن جا کسانی باشند که حجاب کردن از آن‌ها لازم است پوشیدن چنین لباسی جایز نیست. البته اگر زن در میان محارم خویش باشد یک حصه از بدن‌اش لخت شود که لخت کردن آن حصه در جلو محارم جایز است. مثلاً سرش در خانه لخت شود گنجایش است (البلخلی، ۱۳۱۰ هـ: ج ۱ / ۳۳۳). اما از لحاظ تربیتی این نیز باید ممنوع باشد چرا که بعضی از دخترها با چنین لباسی خوی می‌گیرند و در آینده در میان محرم و نامحرم فرق نمی‌کنند (رحمانی، ۲۰۰۷: ج ۴ / ۵۷۸).

لباس‌های ممنوعه

۱. لباس نازک و چسبیده

دو چیز را در لباس در نظر گرفتن لازم و ضروری است.

۱. لباس کلفت باشد، نازک نباشد که رنگ بدن دیده شود.



۲. فراز و نشیب بدن نمایان نشود. «عن ضمرة بن ثعلبة أنه أتى النبي ﷺ وعليه حلتان من حلال اليمن فقال يا ضمرة أ ترى ثوبك هذين مدخليك الجنة؟ فقال يا رسول الله! لئن استغفرت لي لا أقعد حتى انزعها عني، فقال النبي ﷺ اللهم اغفر لضمرة، فانطلق سريعا حتى نزعهما عنه» (الهيثمي، ۱۴۱۲ هـ). ترجمه: حضرت ضمره می فرماید من خدمت آن حضرت ﷺ حاضر شدم درحالی که، یک جوره لباس یمنی پوشیده بودم آن حضرت ﷺ فرمود: ای ضمره آیا فکر می کنی که با این لباس می توانی داخل بهشت شوی؟ در جواب عرض کرد یا رسول الله ﷺ اگر شما برای من دعای مغفرت نمائید پس من تا آن زمان به جایگاه ام نمی نشینم مگر این که این لباس را از تنم بیرون کنم. آن حضرت ﷺ برایش دعا نمود که یا الله ضمره را مغفرت فرما! ضمره با تیزی رفت و آن ها را از تنش بیرون کرد.

علامه هیثمی این روایت را در تحت باب فی ثياب الرقاق آورده است که از آن معلوم می شود که لباس های ضمره، نازک بوده است. «عن جرير بن عبدالله قال: إن الرجل ليلبس وهو عار يعني الثياب الرقاق» ترجمه: حضرت جریر بن عبدالله رضی الله عنه می فرماید بعضی از مردم لباس به تن می کنند اما لخت هستند. (الهیثمی، ۱۴۱۲ هـ). مراد از آن پوشیدن لباس نازک است.

«عن مالك بلغني أن عمر بن الخطاب هني النساء أن يلبسن القباطي فانه إن لا يشف فانه يصف، ومعناه أن قباطي مصر ثياب رقاق» (ابو الوليد، ۱۳۳۲ هـ، ج ۳۲۴/۷) (الانصاری، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۸۰/۹). ترجمه: حضرت امام مالک (رحمه الله) می فرماید حضرت عمر (رضی الله عنه) زن ها را از پوشیدن لباس قباطی منع کرده فرمود: اگرچه بدن از داخل این لباس معلوم نمی شود اما فراز و نشیب بدن از آن نمایان می شود و معنی اش این است که قباطی مصر یک لباس باریکی است. ابو الولید الباجی نوشته است که معنی «تصف أي تلتصق بالجلد» یعنی به پوست می چسبد. ملاعلی قاری (رحمه الله) می نویسد (قباطی جمع قبطية وهي على ما في النهاية ثوب من ثياب مصر رقيقة بيضاء.) که قباطی جمع قبطیه است طبق آنچه در کتاب النهاية آمده است لباس باریک و سفیدی از لباس های مصری است. جلوتر ملا علی قاری می فرماید که

زن‌ها بعضی اوقات در این مسئله از تسامح کار می‌گیرند. به همین خاطر ایشان تأکید فرمودند: برخلاف مردها که اکثراً پیراهن و شلوار و لنگی می‌پوشند (القاری، ۱۴۲۲ هـ).

۲. لباس که فراز و نشیب بدن با آن نمایان شود

«عن أسامة بن زيد قال: كساني رسول الله ﷺ قُبْطِيَّةٌ كثيفة، مما اهداها له دحية الكلبي فكسوته امرأتي، فقال رسول الله ﷺ لم تلبس القبطية؟ قلت يا رسول الله ﷺ كسوتها إمرأتي فقال رسول الله ﷺ مرها فلتجعل تحتها غلالة، فاني اخاف أن تصف حجم عظامها» (الهيثمي، ۱۴۱۲هـ). ترجمه: حضرت اسامه (رضی الله عنه) می‌فرماید که رسول الله ﷺ من لباس قبطیه مصری داد. این لباس را دحیه کلبی رضی الله عنه به پیامبر ﷺ هدیه کرده بود. من آن لباس را به همسرم دادم. آن حضرت ﷺ از من پرسید که آن لباس قبطیه سفید مصری را نپوشیدی؟ من عرض کردم یا رسول الله ﷺ من آن را به همسرم دادم. آن حضرت ﷺ فرمود: به او بگو زیرپوش نیز بپوشد چون می‌ترسم که بندهای استخوان‌هایش هم از زیرش معلوم شود.

از این حدیث به خوبی معلوم می‌شود که آن لباس که شکل و هیئت بدن از داخلش نمایان شود و فراز و نشیب بدن کاملاً نمایان باشد، آن لباس غیرشرعی و غیر اسلامی است پوشیدن آن جایز نیست. در کتاب صحیح مسلم حدیث از حضرت ابوهریره (رضی الله عنه) روایت شده است که آن حضرت ﷺ ارشاد فرمود: دو گروه از جهنمی‌ها را تا به حال ندیده‌ام یک گروه کسانی هستند که نزد آن‌ها شلاق‌های مثل دم‌های گاوها هست که با آن‌ها بر مردم ظلم می‌کنند. گروه دوم زن‌های هستند که به ظاهر لباس پوشیده‌اند، اما لخت هستند. مردها را به طرف خود مایل می‌کنند و مردها به طرف آن‌ها مایل می‌شوند سرهای آن‌ها مانند کوهان شتر کج هستند. این زن‌ها به بهشت داخل نمی‌شوند و نه بوی بهشت به مشام آن‌ها می‌رسد درحالی‌که، بوی بهشت از یک مسیر بسیار طولانی به مشام می‌رسد (النیشابوری، بی‌تا: ج ۶/ ۱۶۸). از این حدیث معلوم می‌شود که لباس نازک یا چسبیده که اندام بدن از آن آشکار می‌شود پوشیدن و نپوشیدن آن یک‌سان است. چون مقصد اصلی از پوشیدن لباس ستر عورت است و بدن زن هم‌اکنون عورت



است هنگامی که اندام ظاهر باشد و فراز و نشیب جسم آشکار باشد به منزله این است که انسان لخت باشد و چنین لباسی در شریعت لباس شمرده نمی‌شود و به همین خاطر کسانی که چنین لباسی بپوشند از بهشت و نعمت‌های آن محروم می‌شوند الله تعالی نجات دهد. در مسند احمد از عبدالله بن عمرو (رضی الله عنه) روایت است که من از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: در آخر امت من مردمی می‌آیند که بر زین‌های مثل کجاوه سوار می‌شوند و بر دروازه‌های مساجد پائین می‌شوند. همسران آن‌ها لباس پوشیده‌اند اما لخت هستند موهای سرهای آن‌ها مثل شترهای لاغر خراسانی هستند. بر آن‌ها لعنت بفرستید چون آن‌ها مورد لعنت قرار گرفته‌اند اگر بعد از شما امت دیگری می‌بود زن‌های شما نوکرهای آن‌ها قرار می‌گرفتند. چنانچه زن‌های اقوام قبل از شما نوکرهای شما قرار گرفتند. پناه به خدا! امروزه زن‌های ما چقدر لباس‌های چسبیده و نازک می‌پوشند که تمام اعضای بدن و فراز و نشیب آن‌ها از داخل آن لباس‌ها نمایان است گویا کاملاً لخت هستند و این مسئله بر همه واضح و آشکار است؛ اما متأسفانه هیچ پدر، شوهر و برادری برای جلوگیری از آن اقدام نکرده و نمی‌کند. علاوه بر آن، بر این عمل آن‌ها اظهار خرسندی نیز می‌کنند که این نشانه‌ی ضعف ایمان است درحالی‌که، الله تعالی می‌فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (التحریم: ۶). ترجمه: ای اهل ایمان! خود و خانواده‌ی خود را از آتش جهنم نجات دهید.

مگر خبر نداریم که ما مسئول زبردستان خود هستیم؟ باید آن‌ها را توصیه به خیر کنیم و آن‌ها را از اعمال و کارهای ناشایست باز داریم. درحالی‌که، روز قیامت از این مسئولیت پرسیان می‌شویم! الله نجات دهد.

۳. پوشیدن لباس ابریشم برای مردها

پوشیدن لباس ابریشم برای مرد حرام و برای زن جایز است. در حدیث بخاری و مسلم آمده است که پوشیدن لباس ابریشمی برای زن‌ها جایز است اما برای مردها حرام است مگر به اندازه دو، سه و یا چهار انگشت. «عن جابر رض قال كنا ننزعه عن الغلمان ونترکه علی الجواری» (ابوداود بی تا. ج ۲/ ۲۰۶). ترجمه: از حضرت جابر (رضی الله عنه) روایت است که اگر لباس ابریشمی بر تن بچه‌ها می‌بود آن را درآورده

به تن دخترها می‌کردیم. حضرت عبدالرحمن بن یزید وقت دید که پسرش لباس ابریشمی پوشیده است از او پرسید که این لباس را کی به تن شما کرده است؟ جواب داد مادرم پوشانده است. ماما می‌عبدالله که در آن مجلس حضور داشت آن لباس ابریشمی که بر تنم بود را گرفته و پاره کرد. پس طبق حدیث پیامبر ﷺ و عمل صحابه کرام (رضی الله عنهم) پوشیدن لباس ابریشمی برای مردهای امت محمد ﷺ حرام و ناجایز است مگر به قدر ضرورت که آن‌هم در فوق بیان گردید.

۴. پوشیدن لباس شهرت

یکی دیگر از شرایط لباس این است که لباس به خاطر شهرت پوشیده نشود آن لباس به حدی معمولی و نابکار نباشد که مردم صاحبش را تحقیر کنند و نه هم به حدی گران قیمت باشد که مردم با دیدن آن تعجب کنند و در دل صاحب آن لباس تکبر پیدا شود. در روایت آمده است که ابن عمر رضی الله عنه می‌فرماید: «عن ابن عمر قال قال رسول الله ﷺ من لبس ثوب شهرة في الدنيا. البسه الله ثوب مذلة يوم القيامة» (ابوداود، بی تا: ج ۲/۲۰۳). ترجمه: رسول الله ﷺ فرمود کسی که در دنیا لباس شهرت می‌پوشد در روز قیامت الله تعالی به او لباس ذلت می‌پوشاند. مراد از لباس شهرت در این حدیث آن لباسی است که شخص به خاطر نمایش‌شان و شوکت خویش می‌پوشد و می‌خواهد خود را در نظر مردم بزرگ جلوه دهد و این واضح و آشکار است کسانی که می‌خواهند که خود را در نگاه دیگران علامه و بزرگ جلوه دهند و لباس خاص و مقدسی می‌پوشند، آن‌ها نیز در وعید این حدیث داخل‌اند. یا این‌که می‌خواهند که فقیر و درویشی‌شان را نشان دهند تا مردم آن‌ها را درویش بدانند. درویشی که در دل است نه در لباس. پس این گروه نیز در وعید این حدیث داخل‌اند. البته برای ما هم جایز نیست که لباس کسی را که لباس تکبر و ریا یا برعکس لباس درویشی پوشیده است، بر آن اعتراض کنیم. چون از نیت آن‌ها خیر نداریم که به خاطر چه پوشیده‌اند. بله وعید حدیث همین است کسی که به خاطر تکبر و ریا بیوشد شامل این وعید می‌شود.

دومین اصل و مقصد لباس زینت و آرایش است

الله تعالی دومین مقصد لباس را «وریشا» بیان نموده است یعنی آن لباس را برای شما سبب زینت و آرایش قرار دادیم، زیبایی یک انسان در لباس است لذا، لباس باید طوری باشد که انسان با دیدن آن خوشحال شود. بد شکل و بد هیئت نباشد که با دیدن آن دیگران متنفر شوند و ناپسند بدانند بلکه، باید طوری باشد که با دیدن آن فایده زینت حاصل شود. لباسی که در آن زینت و جمال در نظر گرفته شده باشد و در حدود و چوکات شریعت باشد مباح است. چنانچه حضرت عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) از رسول الله ﷺ نقل کرده است و می فرماید که آن حضرت ﷺ فرمود: در دل هر کس به اندازه یک ذره تکبر باشد در بهشت داخل نمی شود شخصی گفت: یا رسول الله! یک شخصی می خواهد لباس خوب و کفش خوب بپوشد آن حضرت ﷺ فرمود: الله تعالی جمیل است و جمال را دوست دارد تکبر این است که انسان حق را نپذیرد و مردم را ذلیل بداند (النیشابوری، بی تا: ج ۱ / ۶۵).

استفاده کردن لباس گران قیمت اسراف است

بعضی اوقات این اشتها در دل پیدا می شود که چگونه لباسی بپوشم؟ اگر لباس بسیار گران قیمت بپوشم این سؤال در ذهن می آید که شاید در اسراف داخل شود و اگر لباس معمولی بپوشم در چه حد باشد؟ حضرت مولانا اشرف علی تھانوی (رحمه الله) درباره لباس نوشته است که لباس باید طوری باشد که ساتر باشد و علاوه از ساتر بودن، با آن لباس اندکی از آسایش نیز حاصل شود. یعنی توسط آن لباس جسم راحت شود و یک نوع آرامش به دست آورد. در پوشیدن چنین لباسی هیچ حرج و ممانعت شرعی وجود ندارد. مثلاً لباس نازک «طوری نازک نیست که رنگ بدن نمایان شود وگرنه ناجایز است» پوشید، مقصدش آرامش جسم است در پوشیدن آن مشکل شرعی وجود ندارد جایز است. هم چنان، برای خوش کردن دلش لباس زیبای می پوشد جایز است. مثلاً یک لباس متر صد افغانی است اما یک لباس دیگر یک متر به صد و پنجاه افغانی است. حالا اگر کسی لباس صد و پنجاه افغانی را خریداری کند به خاطر این که توسط آن جسم راحت و آرام است و مورد پسنداش است و دلش نیز خوش می شود و توانائی خرید این لباس را نیز دارد؛ پس پوشیدن



چنین لباسی برایش جایز است، در اسراف داخل نیست و گناه هم ندارد و از لحاظ شرعی هم هیچ ممانعتی وجود ندارد. به همین خاطر الله تعالی به شما وسعت و توانائی داده است تا دلتان را خوش کنید و لباس دلخواه خود را بپوشید.

افراد دارای حیثیت باید بهترین لباس را بپوشند

کسی که درآمدش زیاد است پوشیدن لباس پست و کم ارزش برایش بسیار ناپسند است، چنانچه در حدیث شریف آمده است که یک شخصی نزد آن حضرت علیه السلام حاضر شد آن حضرت علیه السلام دید بسیار بدهی است و لباس های کهنه پوشیده است. پرسید: «ألك مال؟ قال نعم، قال: من ای المال؟ قال قد اتانی الله من الابل والغنم والحیل والرقیق، قال: فاذا أتاك الله مالا فلیر اثر نعمة الله عليك وكرامته» (ابوداود). بی تا: ج ۲/ ۲۰۷). ترجمه: آیا شما مال دارید؟ او گفت بله آن حضرت علیه السلام پرسید از چه نوع مالی نزد شما است؟ جواب داد یا رسول الله! الله تعالی به من از هر نوع مالی داده است یعنی شتر، گوسفند، اسب و غلام های زیادی داده است. آن حضرت علیه السلام فرمود: هنگامی که الله تعالی به شما مال داده است پس باید اندکی از آثار انعامات خداوند بر لباس شما ظاهر شود. چنان نباشد که الله تعالی به شما همه چیز را داده است و شما مثل فقراء زندگی کنید. لباس کهنه و پاره مثل گداها بپوشید این که، ناشکری نعمت های الله تعالی است. مطلب این که نعمت های الله تعالی بر شما ظاهر شود این است که یک شخص به خاطر آرامش و آرایش خود لباس خوب و گران قیمت بپوشد. در پوشیدن این لباس هیچ گناهی نیست به جای خود، بلکه جایز است.

ریا و تظاهر جایز نیست

اگر مقصد از پوشیدن لباس نه آرامش باشد و نه آسایش، بلکه فقط ریا و تظاهر باشد تا این که مردم دیده بگویند که فلانی عجب لباس های ذی شأن و با ارزشی پوشیده است، فلانی لباس های درجه یک می پوشد. خلاصه این که، مقصدش این است تا به مردم نشان دهد که من سرمایه دار هستم پول زیاد دارم؛ گویا تکبر و بزرگ نمائی می کند و دیگران را مرعوب خود می سازد. همه این کرداراش در ریا و



تظاهر داخل است. به همین خاطر هر لباسی که به خاطر ریا و تظاهر پوشیده شود حرام و ناجایز است.

سومین اصل در پوشیدن لباس اجتناب از تشبه است

سومین اصلی که شریعت در باره لباس بیان نموده است، اجتناب و دوری از تشبه است. یعنی چنان لباسی را پوشیدن که با پوشیدن آن انسان یک فردی از افراد یک قومی دانسته شود و به این مقصد بیوشد که مثل آن‌ها شود در شریعت چنین کاری را تشبه می‌نامد؛ به عبارت دیگر، این که به نیت نقالی و تقلید از یک قوم غیرمسلمان لباسی را بپوشد قطع نظر از این که آن لباس موردپسند است یا نیست خوب است یا بد؛ اما چون که نقالی از فلان قوم است بس همان چیز را در نظر گرفته آن لباس را انتخاب نموده است. به این چیز تشبه گفته می‌شود. در مورد این نقالی و تقلید پیامبر اکرم ﷺ وعید سختی بیان نموده است. چنانچه ارشاد فرموده است «من تشبه بقوم فهو منهم» (ابوداود، بی تا: ج ۲/ ۲۰۳). ترجمه: یعنی هر شخصی که مشابهت قومی را اختیار نماید و از آن قوم نقالی کند و کوشش کند که خود را مثل آن‌ها قرار دهد پس او از آن‌ها است. گویا او از مسلمانان نیست بلکه او یک فردی از آن قوم است. به این خاطر که او آن‌ها را می‌پسندد و با آن‌ها محبت می‌ورزد و می‌خواهد مثل آن‌ها باشد، پس حشرش نیز با آن‌ها خواهد بود. الله تعالی همه ما را حفاظت نماید. اللهم آمین.

حقیقت تشبه

درباره تشبه این چیز را باید دانست که این تشبه چه زمانی پیدا می‌شود و چه زمانی ممانعت از آن صورت می‌گیرد. اولاً این که، در چنین کاری نقالی از قوم دیگری فی نفسه کار بدی است و خلاف اصول شریعت است. پس در چنین کاری نقالی حرام است. دوماً این که، آن کار اگرچه فی نفسه بد نیست، بلکه مباح است اما آن شخص به این غرض آن کار را انجام می‌دهد که مثل آن‌ها معلوم شود و بسیار تلاش و کوشش می‌کند که مثل آن‌ها قرار گیرد. در این صورت، آن کار مباح نیز حرام و ناجایز می‌شود.

فرق در میان تشبه و مشابهت

تشبه یک چیز است مشابهت چیز دیگر، دو امر جداگانه هستند و با هم بسیار فرق دارند. معنی تشبه این است که انسان با اراده خود نقالی می‌کند و با اراده خود تلاش می‌کند تا مثل آن‌ها قرار گیرد. این صورت، کاملاً حرام و ناجایز است. دوم مشابهت است یعنی اراده‌ای ندارد که مثل آن‌ها قرار گیرد اما با انجام این عمل، خود به خود مشابه آن‌ها قرار می‌گیرد این کار حرام و ناجایز نیست اما آن حضرت علیه السلام از مشابهتی که در آن ضرورت و نیازی نیست نیز منع نموده است و تأکید فرموده است: که از آن مشابهت نیز اجتناب شود و تلاش کنید تا از آن‌ها جدا باشید. قوم و ملت مسلمان باید دارای امتیاز باشد و طوری نباشد که با دیدن آن فهمیده نشود که این شخص مسلمان است یا نه؟ از سر تا پا باید حلیه آن طوری باشد که با دیدن آن فهمیده شود که این شخص مسلمان است یا نه؟ به او سلام داده شود یا نه؟ در کارهای مباح نیز نباید چنین حلیه ناپسندیده‌ای اختیار شود.

تشبه در لباس مرد و زن

تشبه یکی از صورت‌های کراهیت در لباس است. تشبه به دو صورت است یکی این که مرد لباس زن را بپوشد و زن لباس مرد را بپوشد. دوم این که مسلمان لباس غیر مسلمان را بپوشد. از حضرت عبدالله بن عباس (رضی الله عنه) روایت شده است که آن حضرت علیه السلام بر چنین مردی لعنت فرستاده است که لباس زن را اختیار کند و بر چنین زنی لعنت فرستاده است که لباس مرد را بپوشد (بخاری، بی‌تا، حدیث: ۵۹۹۵، ج ۱۰، ص ۳۵۴). هم‌چنان از عبدالله بن عباس (رضی الله عنه) روایت است که آن حضرت علیه السلام بر مرد‌های که مشابهت با زن‌ها را اختیار می‌کنند و زن‌های که مشابهت با مرد‌ها را اختیار می‌کنند لعنت فرستاده است (بخاری، بی‌تا: ج ۱۰ / ۳۴۵). از این قبیل روایات به کثرت وجود دارد و حقیقت این است که از تمام این روایات معلوم می‌شود که بعضی از صورت‌های تشبه تنها مکروه نیست بلکه حرام است. به همین خاطر امام نووی (رحمه الله) می‌نویسد: بل الصواب ان تشبیه الرجال بالنساء وعکسه حرام لحديث الصحيح (النووی، بی‌تا: ج ۴ / ۳۳۵). ترجمه: یعنی واقعیت این است که مرد‌ها مشابهت زن‌ها و زن‌ها مشابهت مرد‌ها را اختیار کنند حرام است. بنابر حدیث



بخاری؛ آن حضرت علیه السلام از تشبه منع نموده اما حد تشبه را مشخص ننموده است. چون اگر در هر چیز ممانعت از تشبه باشد ظاهر است که عمل کردن دشوار می شود. این نیز ممکن است که در یک قریه‌ای میان لباس مرد و زن فرق نباشد پس در آن جا یک‌سان بودن لباس در تشبه داخل نمی‌شود. به همین خاطر حافظ ابن حجر (رحمه الله) نوشته است که در بعضی اقوام میان لباس مرد و زن فرق نیست. تنها چیزی که باعث امتیاز در میان زن و مرد می‌شود حجاب است. پس در آن جا نجات از تشبه حفظ حجاب است. (عسقلانی، ۱۳۷۹ هـ: ج ۱۰ / ۳۴۵). به همین خاطر مراد از تشبه مماثلت و مشابهت در یک صنف خاصی است. مثلاً کلاه و عمامه مخصوص مردها است. چنانچه امام شعرانی (رحمه الله) نقل کرده است که آن حضرت علیه السلام زن‌ها را از پوشیدن عمامه باز می‌داشت و می‌فرمود که عمامه برای زن‌ها نیست (الشعرانی، ۲۰۰۸ م: ج ۱ / ۱۶۳). هم‌چنان، شعرانی از تمییم داری نقل نموده است که آن حضرت علیه السلام زن‌ها را از استعمال کلاه و پوشیدن ازار (لنگی) باز داشته است (الشعرانی، ۲۰۰۸ م: ج ۱ / ۱۶۳). البته در جای که برای همه رواج باشد در آن صورت زن‌ها هم اگر بپوشند هیچ ممانعت شرعی وجود ندارد (عثمانی، ۲۰۰۱ م: ج ۱۶ / ۱۵۸). لذا، در عصر حاضر پوشیدن پتلون و کت و شلوار و غیره جایز نیست. هم‌چنان، برای مردها جایز نیست که لباس‌های زنانه را استعمال کنند یا این‌که زنجیرهای طلا بپوشند یا مثل زن‌ها مو بگذارند و بر لب‌های‌شان سرخی و غیره زده تشبه با زن‌ها را اختیار کنند چون همه‌ای این موارد حرام است.

تشبه با غیرمسلمانان ناجایز است

اگر یک مسلمان لباسی را اختیار کند که با پوشیدن آن مماثلت با غیرمسلمانان پیدا شود مکروه است در مورد حضرت علی (رضی الله عنه) روایت شده است که آن حضرت علیه السلام یک خطبه ایراد می‌کرد ارشاد فرمود: ای مردم از پوشیدن لباس راهبان و تشبه با آن‌ها پرهیز کنید هر کس رهبانیت و تشبه با آن‌ها را اختیار کند از من نیست (الطبرانی، بی‌تا: ج ۴ / ۱۷۸). تشبه مراتب متفاوت دارد. اگر تشبه با غیرمسلمانان در شعائر دینی باشد گناه بسیار بزرگی است حتی این‌که بعضی از فقهاء در مورد بستن زنار و غیره حکم کفر را داده است اما نزد محققین به سبب پوشیدن زنار کافر نمی‌شود؛ اما از این رویه فقهاء فهمیده می‌شود که این تشبه حرام و

به شدت ممنوع است. البته لباس که وابسته به افکار و تصورات مذهبی نباشد و آن لباس به حدی عام شده است که اگر کسی آن را بپوشد هیچ کس نمی گوید لباس فلان قوم را پوشیده است. در این صورت در تشبیه تخفیف می آید و از کراهیت آن کاسته می شود. در جای که لباس قومی باشد، پوشیدن آن در «من تشبه بقوم فهو منهم» داخل می شود اما اگر لباس کشوری باشد از هر قوم و مذهبی باشد آن لباس را می پوشد در آن صورت در «من تشبه بقوم فهو منهم» داخل نمی شود؛ و در پوشیدن آن هیچ حرجی نیست. در مورد امام ابو یوسف (رحمه الله) منقول است که کفش آهنی می پوشید از او پرسیده شد که آیا نزد شما در پوشیدن این کفش مشکلی وجود ندارد؟ فرمود نه! عرض شد که سفیان ثوری به خاطر تشبه با راهبان استفاده کردن از آن را مکروه دانسته است. امام ابو یوسف (رحمه الله) فرمود: آن حضرت عليه السلام چنان کفشی استفاده می کرد که در آن مو بکار رفته بود درحالی که، این لباس راهبان است. فقهاء از این حکایت این مسئله را استخراج نموده اند که چیزهای که به مصلحت مردم وابسته است در مشابهت آن ها با اغیار قباحتی وجود ندارد (البخاری، ۱۳۱۰هـ: ج ۳۳/۵). از این مسئله این نیز ظاهر می شود که چنین لباسی که به خاطر ضرورت جغرافیائی استفاده می شود و متعلق به شعائر مذهبی نیز نیست اگرچه آن را قوم خاصی ایجاد کرده باشد در استعمال آن تشبه نیست (رحمانی، ۲۰۰۷م: ج ۵۷۶/۴).

احتیاط از تشبه و مشابهت

به هر حال فتوی همان است که قبلاً بیان شد که تشبه ناجیز، حرام و گناه است و هدف از تشبه این است که با اراده خود کوشش کند تا مثل آن ها قرار گیرد و معنی مشابهت این است که اراده ندارد مثل آن ها قرار گیرد اما کمی مشابهت پیدا می شود، این کار گناه و حرام که نیست. البته از کراهت خالی نیست و کاملاً مخالف غیرت و وجدان است. به همین خاطر نیاز است که از هر دو (تشبه و مشابهت) اجتناب صورت گیرد (عثمانی، ۲۰۰۵م: ج ۲۸۷، ۲۹۸/۵).

چهارمین اصل در پوشیدن لباس، اجتناب از تکبر و خودبینی

چهارمین اصل در باره لباس این است که پوشیدن لباس که با استفاده کردن آن، در دل تکبر و خودبینی پیدا شود حرام است اگرچه آن لباس، تات و یا هر نوع دیگری

باشد. مثلاً اگر یک شخص لباس تات بپوشد و مقصدش این باشد که من با پوشیدن این لباس در میان مردم یک انسان عابد و صوفی معلوم شوم یک انسان متقی و بسیار پرهیزگار به نظر بیایم و با این کارش در دلش تکبر و بزرگی بر دیگران پیدا شود و دیگران تحقیر شوند پس در چنین صورتی آن لباس تات نیز ذریعه و سبب تکبر است. به همین خاطر حرام است. حضرت سفیان ثوری (رحمه الله) می فرماید تکبر با پوشیدن لباس پیدا نمی شود بلکه با تحقیر کردن دیگران در دل پیدا می شود به همین خاطر بعضی اوقات یک شخص این طور فکر می کند که من بسیار یک لباس متواضعانه می پوشم. در واقع تکبر در آن بسیار بد است (عثمانی، ۲۰۰۵: ج ۲۹۸/۵).

خلاصه برای پوشیدن لباس چهار اصل می باشد

۱. لباس ساتر باشد.
۲. در حدود شریعت بوده باعث زینت گردد.
۳. توسط آن تکبر و خود نمائی صورت نگیرد.
۴. با پوشیدن آن لباس در دل تکبر پیدا نشود.

سه عیب لباس

مقاصد اصولی و بنیادی لباس را تکمیل نکردن سه صورت دارد. که این هر سه، در لباس عیب شمرده می شود.

۱. یک صورت این است که لباس چنان کوتاه و کوچک باشد که با وجود پوشیدن آن، عورت پوشیده نشود بلکه، بعضی از جاها لخت بماند درباره این نوع لباس ها حکم چنین است که با این لباس مقصد پوشیدن لباس به دست نمی آید بلکه کشف عورت صورت می گیرد که ناجایز است.
۲. دومین صورت این است که آن لباس عورت را پوشیده باشد اما به حدی نازک باشد که از داخلش بدن و جسم معلوم می شود.
۳. سومین صورت این است که آن لباس به حدی تنگ باشد که با وجود پوشیدن تمام فراز و نشیب بدن و جسم از دور پیدا شود. این نیز خلاف ستر و پوشش است. به همین خاطر برای مردها لازم و ضروری است که از ناف تا زانو چنان لباس کلفت بپوشند که از داخلش بدن و جسم نمایان

و معلوم نشود و به اندازه کشاده باشد که اعضای بدن و جسم نمایان نشود و هم چنان، به اندازه مکمل باشد که هیچ حصه‌ای از بدن لخت نماند و همین سه چیز در لباس‌های زن‌ها نیز لازم و ضروری است (عثمانی، ۲۰۰۵م: ج ۲۶۵/۵).

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی اصول و احکام شرعی مرتبط با پوشیدن لباس در اسلام پرداخته و بر اهمیت رعایت این اصول در زندگی اسلامی تأکید کرده است. لباس در اسلام نه تنها وسیله‌ای برای ستر عورت و حفاظت از گرما و سرما، بلکه عاملی برای زینت و آراستگی انسان و حفظ هویت اسلامی است. چهار اصل اساسی در پوشیدن لباس از منظر شریعت عبارت‌اند از: ستر عورت؛ لباس باید عورت را به طور کامل بپوشاند. برای مردان، عورت از ناف تا زانو و برای زنان، تمام بدن به جزء چهره و دست‌ها تا مچ است. لباسی که این شرط را برآورده نکند، از نظر شرعی لباس محسوب نمی‌شود. زینت و آراستگی؛ لباس باید زیبا و آراسته باشد، اما نباید به قصد ریا و خودنمایی پوشیده شود، بلکه باید در چارچوب شریعت و برای آرامش و آسایش فرد باشد. اجتناب از تشبه؛ لباس نباید مشابه لباس غیر مسلمانان یا جنس مخالف باشد. تشبه با غیر مسلمانان یا تقلید از لباس جنس دیگر حرام است، مگر در مواردی که لباس به دلیل ضرورت یا رواج عام استفاده شود. اجتناب از تکبر؛ لباس نباید به شکلی باشد که باعث ایجاد تکبر یا تحقیر دیگران شود. پوشیدن لباس به قصد خودنمایی یا فخر فروشی حرام است. هم چنین، سه عیب اصلی در لباس شامل لباس‌های کوتاه که عورت را نمی‌پوشانند، لباس‌های نازک که بدن را نمایان می‌کنند و لباس‌های تنگ که فراز و نشیب بدن را آشکار می‌سازند، بیان شده است. این عیوب با مقصد اصلی لباس که ستر و زینت در چارچوب شریعت است، در تضاد هستند. هدف از این اصول، حفظ عفت، ایمان و هویت اسلامی در جامعه است. رعایت این احکام به ایجاد فضایی اسلامی و جلوگیری از بی‌عفتی و ناهنجاری‌ها کمک می‌کند. در نهایت، هر فرد مسلمان باید با آگاهی از این اصول، لباس‌هایی انتخاب کند که هم نیازهای جسمانی و هم ارزش‌های معنوی و شرعی او را برآورده سازد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن حجر، احمد بن علی. (۱۳۷۹ هـ). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: ناشر دارالمعرفة.
- السجستانی، سلیمان بن اشعث. (بی تا). سنن ابوداؤد. لاهور: ناشر مکتبه رحمانیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ هـ). صحیح البخاری. بی جا: ناشر دار طوق النجاة.
- عثمانی، محمد شفیع. (۲۰۰۱ م). امداد المفتیین. کراچی: ناشر دارالاشاعت.
- شعرانی، عبدالوهاب. (ب ۲۰۰۸ م). کشف النعمه. بی جا: ناشر اشتیاق ای مشتاق پبترز.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (بی تا). المعجم الاوسط. محقق طارق بن عوض الله. القاهرة: ناشر دارالحرمین.
- قاری، ملاعلی بن سلطان محمد. (۱۴۲۲ هـ). مرقات المفاتیح شرح مشکاة المصابیح. چاپ اول، لبنان. بیروت: ناشر دارالفکر.
- رحمانی، خالد سیف الله، (۲۰۰۷ م). قاموس الفقه. کراچی. پاکستان: ناشر زمزم پبلشرز.
- ابو الولید، سلیمان بن خلف. (۱۳۳۲ هـ). المنتقی شرح الموطأ. مصر: ناشر مطبعة السعادة.
- القاسمی، مفتی شفیق، (بی تا). اللباس المحمود. دیوبند هند: ناشر مکتبه البلاغ.
- النیشابوری، مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: ناشر دارالافتاح الجديدة.
- نووی، یحیی بن شرف. (بی تا). شرح مهذب. بی جا: بی نا.
- هیثمی، علی بن ابی بکر. (۱۴۱۲ هـ). مجمع الزوائد و منبع الفوائد. بیروت: ناشر دارالفکر.
- عثمانی، محمد شفیع، (۲۰۰۱ م). فتاوی دارالعلوم. کراچی: ناشر دارالاشاعت.
- البلیخی، نظام الدین، (۱۳۱۰ هـ). ہندیہ. چاپ دوم بیروت، ناشر دارالفکر.
- عثمانی، محمد تقی، (۲۰۰۵ م)، اصلاحی خطبات. کراچی: ناشر مین اسلامیک پبلشرز.
- الانصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب. (۱۴۱۴ هـ). بیروت: ناشر دارصادر.